

بالجمله محررات نور عثمانیه جاده سنده
الحضاره غزنه سی اداره خاتمه سنده
احسان بك نامه كوندورلیدر .

تصوف

صاحب امتیاز و سر محرری
اورقه مبعوثی

شیخ صفوت

مسکزی توزیعی باب عالی جاده سنده
جمعیت کتبخانه سیدر

نسخه سی ۲۰ یادر



شرائط اشترا
سنه لکی عماك عثمانیه ایچون
۳۰ فروش ، مصر و عماك اجنیه
ایچون ۷ فرانقدر .

التصوف کله آداب : ابو حفص عمر بن مسلمه

عرفای امك مقالات عارفانه لرینه تصوفك صحیفه لری آجیقدر

تصوفه متعلق مباحث شتادن باحث و مکارم اخلاق اسلامینك تعمیمنه خادم مجله معنویه در

(مآل عالیسی)

تدلل و تذلل (نازونیاز) اراسته فرق بر نقطه در .
 انك ادراكنده عالم تحریر اولانلر حیرتده در .
 او نقطه ایسه اکوانك نقطه سیدر . اگر سن انی کیجه
 بیلیر ایسهك حقیقه حکیم اولورسك، علمكده اکسیر اولور .

حکمر صوفیه

جناب کبریاه مشتاق اولان ماسواستنده زاهد اولور .
 فتح موصلی
 درویشك جمالی تواضعده در .

حدون بن احمد القصار
 هرکسک کندینه کوره بر عقوبتی واردر . عارفك
 عقوبتی ایسه حق تعالی حضرتلرندن خافل اولمیسدر .
 ابوالحسین النوری
 دریای توحیده طالانلر دائما تشنه در .

ابوعقوب رازی
 چو جقارک صلاحی مکتبده ، اشقیایک صلاحی
 محبده ، طائفه نسانک صلاحی ده کندی خانه لنده در .
 حکیم ترمذی
 تسویلات نفسانیه ایله خلاف واختلاف عداوتی
 تهییج ایدر . عداوت ایسه بلانک نزولنه سبب اولور .
 ابوبکر وراق
 شخص آخرک سرمایه سیله تجارت ایلیان مفلسدر .
 ابراهیم خواص
 نفسیکه دقت ایت ۱ سن انی اشغال ایتزایسهك
 اوسنی اشغال ایدر .

حسین بن منصور
 قلبنده عظمت ربانیه بولنان برکیمسه حق تعالی
 حضرتلرینه عبودیتله انتساب ایدن هر بر انسانی تعظیم
 ایدر . ابوجعفر ابن حمدان

مدیر مسئول : شیخ صفوت

الخصاره مطبعه سنده مطبع اولمشدر .

قطب الاقطاب شیخ عبدالله انصاری حضرتلرینک
 ماسواستندن منتخبدر

الهی ابن چه فضیلتست که بر دستان خود کرده که ایشانرا
 شناخت ترا یافت و هر که ایشانرا یافت ترا شناخت .
 الهی حاضری چه جویم ناظری چه کویم .
 الهی اگر من نابخهیم تو بخیته کن و اگر تو بخی سوخته ممکن .
 الهی هر که را خواهی بر اندازی بادر و ایشان در اندازی
 الهی اگر یکبار کوی بندد من از عرش بگذر خنده من .
 الهی همه از تو ترسند عبدالله از خود زیر کا از تو نیک
 آید و از مایند .

الهی کفتی کریم امید بران تمامست چرن کرم تو
 در میانست ناامیدی حرامست .
 الهی اگر امانت رانه امینم آن روز که امانت نهادی
 میدانستی که چنین .
 الهی نازمهر تو اثر آمد همه مهرها بسر آمد .
 الهی دست و پای عبدالله بخام بسته به که باخام نشسته .
 هر سر که در سجود نیست سقچه است و هر دست که در وجود
 نیست کفچه است .

این کار بدل آگاهست نه بخرقه و کلاهست .
 دیده برای آنمی بیند که خود را نمی بیند .
 این کار نه برنک و پوست این کار غنایت اوست . اثر
 بروی آب آبی خسی باشی و اگر بر هوا پری مکی باشی
 دل بدست کسی ده ناکسی باشی .
 بگوید کسی بخوانی . می به پری سستی خدا برای پریستی .
 تجلی الله ناکاه آید اما بر دل آگاه آید .
 نابرن و مال لرزی حقا که چه نیرزی ؟
 دوستی او بلاست ای من غلام آن که ببلائی او مبتلاست .
 عنایت الله هنر زست نشان اودو چیزست یا عصمت
 اول یا توبه آخر .

قطب العارفين محی الدین ابن عربی قدس سره
 حضرتلرینکدر .

بین التدلل والتذلل نقطة

فیها یتبه العالم التحریر
 می نقطه الاکوان ان جاوزها
 کنت الحکیم وعلم لا کسیر